

بازسازی تقسیمات استان ساسانی بیشاپور با کشف تعدادی

نام جای جدید

از گل‌مهرهای محوطه‌ی تل قلعه‌ی سیف‌آباد-کازرون

پارسا قاسمی*

دانشجوی دکترای باستان‌شناسی دانشگاه پاریس ۱-سوربن، فرانسه

parsa.ghassemi@gmail.com

ریکا گیزلن

مدیر و پژوهشگر بازنشسته بخش مطالعات ایرانی و هندی مرکز پژوهش‌های ملی فرانسه

رضا نوروزی

هیأت‌علمی پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، اداره‌کل میراث فرهنگی فارس

عزیزالله رضایی

کارشناس ارشد باستان‌شناسی، اداره‌کل میراث فرهنگی فارس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۰۸

(از ص ۹۱ تا ۱۰۲)

چکیده

محوطه‌ی تل قلعه‌ی سیف‌آباد، یکی از محوطه‌های کلیدی دوره‌ی ساسانی است که به فاصله‌ی ۱ کیلومتری غرب دریاچه‌ی پریشان در استان فارس قرار دارد. در نتیجه‌ی فصل اول کاوش باستان‌شناسی این محوطه در پاییز ۱۳۹۳، مجموعه‌ی بزرگی از گل‌مهرهای دوره‌ی ساسانی یافت شد. از بین این مجموعه‌ی نویافته، ۷۵ گل‌مهر دارای اثرمهر اداری، و بقیه دارای اثرمهر غیر اداری یا شخصی است. از بین اثرمهرهای اداری شناسایی شده، دو اثرمهر مربوط به تقسیمات اداری استان بیشاپور، یک اثرمهر مربوط به اداره‌ی ناحیه‌ی / منطقه‌ای، و شش اثرمهر مربوط به اداره‌ی روحانیون استان بیشاپور است. در میان اثرمهرهای اداری پیش‌گفته، نام چهار اداره‌ی جدید، زیرنظر اداره‌ی روحانیون استان بیشاپور، برای نخستین بار شناسایی شدند که براساس آن می‌توان تقسیمات استانی و اداری این استان ساسانی را بازسازی کرد. با کشف این بخش‌های جدید و دو بخش پیش‌تر شناخته شده، اکنون تعداد بخش‌های این استان به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. اثرمهر اداره‌ی روحانیون آباد-شاپور از استان بیشاپور، بیش از ۵۰ بار تکرار شده است. بدون شک، تکرار این نام‌جای به دفعات در گل‌مهرهای اداری یافت شده از این محوطه، نشان می‌دهد که نام ساسانی تل قلعه‌ی سیف‌آباد، آباد-شاپور بوده است. نوشتار حاضر گزارش مقدماتی مطالعه گل‌مهرهای اداری یافت شده از این محوطه‌ی ساسانی است که اهمیت زیادی در باستان‌شناسی این دوره دارد.

کلیدواژگان: استان بیشاپور، محوطه‌ی تل قلعه‌ی سیف‌آباد، گل‌مهر اداری، نام‌جای ساسانی.

مقدمه

محوطه‌ی تل قلعه‌ی سیف‌آباد در دشت کازرون، به فاصله‌ی ۳۳۰ متری شمال روستای سیف‌آباد، بر روی پشته‌های طبیعی کوه تل پهن و غرب دریاچه‌ی پریشان واقع شده است. در دهه‌ی ۱۳۶۰ در نتیجه‌ی انتقال لوله‌ی گاز کازرون-شیراز سطح فوقانی یکی از تپه‌های جنوب‌غربی این محوطه به‌طور کامل تخریب و تسطیح شد. از آن زمان تاکنون، به دلیل نمایان شدن بقایای باستان‌شناسی و معماری، فعالیت سوداگران و سودجویان آثار باستانی در این محوطه شروع شد. در طول چندین دهه کاوش‌های قاچاق، سطح این محوطه به‌شکل گودال‌های متعدد درآمد، لایه‌های فرهنگی آن تخریب و مواد فرهنگی آن به یغما رفت. در پاییز ۱۳۹۳، نخستین فصل کاوش نجات‌بخشی این محوطه که هدف آن جلوگیری از تخریب و تسطیح بیشتر به‌وسیله‌ی شرکت گاز، و ویرانی و غارت مواد فرهنگی آن توسط سودجویان آثار باستانی بود، انجام گرفت^۲. حاصل این کاوش، شناسایی بقایای یک مرکز اداری، اقتصادی، کارگاهی و تجاری در استان بیشابور دوره‌ی ساسانی بود (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۴). در این فصل از کاوش، تعداد ۳۷۱ گِل مُهر دوره‌ی ساسانی به‌دست آمد که از نظر تعداد بعد از گِل مُهرهای تخت سلیمان (Göbl, 1976) و قصر ابونصر (Frye, 1973)، سومین مجموعه‌ی بزرگ دوره‌ی ساسانی به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی است (تصویر ۱). از بین مجموعه‌ی تل قلعه‌ی سیف‌آباد، ۷۵ گِل مُهر از نوع اداری و بقیه‌ی گِل مُهرهای غیر اداری یا شخصی است. نوشتار حاضر به بررسی مقدماتی گِل مُهرهای اداری این مجموعه‌ی نویافته



تصویر ۱. موقعیت محوطه‌ی تل قلعه سیف‌آباد و دیگر محوطه‌های ساسانی ذکر شده در متن در نقشه ایران (https://commons.wikimedia.org/wiki/Commons:Reusing_content_outside_Wikimedia).

پرداخته است که دربرگیرنده‌ی نام چندین اداره و بخش‌هایی جدید از استان بیشاپور دوره‌ی ساسانی، و یک بخش از استان اردشیرخوره است.

ویژگی کلی گِل مُهرهای تل قلعه‌ی سیف‌آباد و محل کشف آن‌ها

گِل مُهرهای تل قلعه‌ی سیف‌آباد، همگی از گِل رُس با مواد چسباننده‌ی معدنی هستند. شاموت تعدادی از آن‌ها نامشهود، گاهی دربرگیرنده‌ی دانه‌های ریزشن، آهک، و ذرات درخشان میکا است. رنگ خمیره‌ی آن‌ها در طیف‌های رنگی متفاوت است و این طبیعی است که هر یک از آن‌ها در مکان‌های مختلفی ساخته و همراه محموله‌ها به این محل رسیده‌اند. شکل ظاهری گِل مُهرها به صورت یک چانه‌ی گِلی است که هنگام ممهور کردن آن‌ها و زمانی که به اندازه‌ی کافی رطوبت داشتند، سطح زیرین آن‌ها بر اثر فشار بر روی محموله، ظروف، یا اسناد مربوطه همراه، دربرگیرنده‌ی نقش محل چسبیده به آن است؛ به طور کلی، پشت اغلب آن‌ها دارای پستی و بلندی است. تعدادی به علت بسته شدن به محموله، دارای سوراخ و بعضی بدون سوراخ است که نقش پارچه یا حصیر، اثر انگشت و... در آن قابل مشاهده است. وزن گِل مُهرها متفاوت است، اما گِل مُهرهای دارای اثر مُهر اداری، بین ۴۰ تا ۹۰ گرم وزن دارند. بر روی هر گِل مُهر، چندین اثر مُهر دیده می‌شود. اثر مُهرهای اداری بین ۱۸ تا ۲۲ میلی‌متر قطر دارند و همه مدور هستند. همانند قصر ابونصر و تخت سلیمان، گِل مُهرهای این محوطه، از اتاق‌های ۲، ۳ و ۴ و اغلب از لایه‌های حرارت دیده کارگاه ۱ و ۲ یافت شده‌اند (تصویر ۲).

بیشترین گِل مُهرها از اتاق شماره‌ی ۲ یافت شده‌اند. تعدادی از آن‌ها در زیر بقایای آوار سقف یا دیوار فروریخته بر روی کف محل نگه‌داری مجموعه به دست آمده‌اند، به همین دلیل سطح روی تعدادی از آن‌ها دارای رسوب آهکی سفید رنگ است که سبب شده خواندن و تمایز علائم روی آن‌ها ناممکن شود. در اتاق شماره‌ی ۴، گِل مُهرها، مستقیماً روی کف قرار داشتند و در لایه‌ی آمیخته با لیف و میوه‌ی سالم



► تصویر ۲. عکس هوایی از بقایای معماری نمایان شده از فصل اول کاوش محوطه‌ی تل قلعه‌ی سیف‌آباد و فضاهایی که گِل مُهرها از آن یافت شده (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۴).

خرما و یا خرمای جوشانده شده پیدا شدند. این گروه گل‌مهرها، به علت قرارگیری در معرض حرارت، دودزده و سیاه هستند. تعدادی از آن‌ها دارای یک لایه‌ی نازکی از شیره‌ی خرما است که درون حفرهای سطح رویی و پشتی آن‌ها را پُر کرده است. به جز اتاق شماره‌ی ۲ که به نظر می‌رسد بایگانی اصلی این گل‌مهرها بوده، و بعد از جدا کردن از محموله همراهشان در آن جا نگه‌داری می‌شدند، اتاق‌های شماره‌ی ۳ و ۴، حالت کارگاهی داشته و این گل‌مهرها در کنار یافته‌های دیگر کارگاهی و تولیدی به دست آمده‌اند که می‌تواند اطلاعات مهمی درباره‌ی کارکرد فضاها و محوطه‌ی تلّی قلعه‌ی سیف‌آباد ارائه کند.

شواهد نظام اداری و نام اداره‌های کشف‌شده‌ی استان بيشابور

بیشتر اثرمهرهای اداری مجموعه‌ی تلّی قلعه‌ی سیف‌آباد، تقریباً خوانا هستند و به اداره‌ی موبدان / روحانیون زردشتی تعلق دارند. اداره‌ی روحانیون مسئولیت بخش قضایی در سطحی منطقه‌ای را برعهده داشتند. این «اداره» شامل افرادی با وظایف متعدد بود: قاضی یا داور، منشی (کاتب) و غیره. تاکنون هیچ مهر رسمی متعلق به قاضی یا داور در کنار مهر اداری موبد یافت نشده است؛ اما در عوض، موبدان زیادی اثرمهر خود را در گل‌مهرهای اداری به جای گذاشته‌اند (Gyselen, 1989: 137-139). از بین ۷۵ گل‌مهر اداری تلّی قلعه‌ی سیف‌آباد، ۵۸ گل‌مهر با اثرمهر «بخش آباد-شاپور» از استان بيشابور (جدول ۲، طرح ۴)، ۵ گل‌مهر با اثرمهر «بخش یارز» از استان بيشابور (جدول ۲، طرح ۸)، ۳ گل‌مهر با اثرمهر «بخش کازرون» از استان بيشابور (جدول ۲، طرح ۶)، ۱ گل‌مهر با اثرمهر «بخش هیشن» از استان بيشابور (جدول ۲، طرح ۵) و ۱ گل‌مهر با اثرمهر اداری «بخش نگاندارسپان» از استان بيشابور (جدول ۲، طرح ۷) است. علاوه بر گل‌مهرهای اداری استان بيشابور، یک گل‌مهر اداری با نام «بخش راویگان» از استان اردشیرخوره در تلّی قلعه‌ی سیف‌آباد یافت شده است (جدول ۲، طرح ۹). به جز گل‌مهرهای اداری اداره‌ی روحانیون که دربرگیرنده‌ی نام ۵ بخش از استان بيشابور و یک بخش از استان اردشیرخوره بود، تعدادی گل‌مهر با اثرمهر اداره‌های دیگر به دست آمد که یکی از آن‌ها متعلق به اداره‌ی «شهرب» استان بيشابور (جدول ۲، طرح ۱) است که چند دهه قبل، از کاوش‌های قصر ابونصر یافت شده بود (Frye, 1973: D.216). ۴ عدد از آن‌ها، دربرگیرنده‌ی اثرمهر داور و مدافع درویشان (درايوشان جاداگو داور) استان بيشابور (جدول ۲، طرح ۲) و یک اثرمهر هم، دربرگیرنده‌ی اداره‌ی آمارگر اردشیرخوره-بيشابور و نیوداراب (جدول ۲، طرح ۳) است.

همانند اثرمهر اداره‌ی شهرب، گل‌مهری با اثرمهر آمارگر اردشیرخوره، بيشابور و نیوداراب نیز از کاوش‌های قصر ابونصر یافت شده است (Frye, 1973: D.191). پیدا شدن مهر اداری آمارگر در تلّی قلعه‌ی سیف‌آباد نشان می‌دهد که حوزه‌ی فعالیت و اقتدار آمارگر در ناحیه‌ی فارس، متفاوت از دیگر نواحی امپراتوری ساسانی است. اثرمهر اداره‌ی داور و مدافع درویشان (درايوشان جاداگو داور) بيشابور، پیش‌تر هم از قصر ابونصر و هم از کاوش‌های بيشابور، یافت شده است (Frye, 1973: D.194 و Curiel and Gyselen, 1987: pl. V).

بحث

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، ۵۸ گِل مُهر اداری، از ۷۵ گِل مُهر اداری یافت شده، دارای نام جای «بخش آباد-شاپور» است. نخستین بار، نام اداره‌ی بخش آباد-شاپور، از میان گِل مُهر اداری یافت‌شده از منطقه‌ی بیضا برای ما شناخته شده است. این گِل مُهر اداری به همراه تعداد ۲۷ گِل مُهر اداری یافت‌شده از محوطه‌ی تل قلعه‌ی سیف‌آباد که به صورت اتفاقی نمایان شده بودند، معرفی شده‌اند (Askari Chaverdi & Cereti, 2013).^۳ جزییات گِل مُهر اداری بخش آباد-شاپور پیش از این نیز مورد بررسی قرار گرفته است (Gyselen & Blet-Lemarquand, 2014).

پیدا شدن ۵۸ گِل مُهر با اثر مُهر بخش آباد-شاپور، در کاوش این فصل از محوطه‌ی تل قلعه‌ی سیف‌آباد، می‌تواند نشان‌دهنده‌ی این باشد که احتمال زیاد نام این محوطه، آباد شاپور بوده است. اما تا یافت نشدن شواهد مکتوب دیگر در آینده، این نظریه بر پایه‌ی حدس و گمان استوار خواهد بود. اهمیت این فصل از کاوش در این بود که سبب شد نام‌های مکان‌های دیگری در استان بیشاپور کشف شود، استانی که پیش از این تنها دو بخش «سیاگ» و «سرتک» آن (Gyselen, 1989: 45) از طریق گِل مُهرها شناسایی شده بود، اکنون با این فصل کاوش، تعداد بخش‌های آن به طور چشمگیری افزایش یافت.

به جز بخشی آباد-شاپور، نام‌های بخش هیشن، کازرون، نگاندارسپان و یاریز نیز جدیداً کشف شده‌اند. از بین این نام‌های ها، نام کازرون بسیار جالب توجه است. نخستین بار نام کازرون بر روی یک سکه‌ی عرب-ساسانی شناسایی شد (Gyselen, 2009: 220). اما یافت شدن آن بر روی یک گِل مُهر ساسانی از محوطه‌ی تل قلعه‌ی سیف‌آباد، دارای اهمیت زیادی است؛ زیرا نشان می‌دهد این بخش در دوره‌ی ساسانی وجود داشته و قدمت کازرون را به دوره‌ی ساسانی باز می‌گرداند.

به جز بخش کازرون، نام هیچ‌یک از این بخش‌های جدید کشف شده در منابع اولیه‌ی تاریخی دیگر، به طور روشن نیامده و در متون و منابع جغرافیای تاریخی بعد از ساسانیان^۴ نیز اشاره‌ی درستی به آن‌ها نشده است؛ اگرچه نام تعدادی از نام‌های کشف شده در این محوطه، با نام‌های ذکر شده در گزارش‌ها و متون جغرافیای تاریخی دوره‌ی اسلامی شباهت‌هایی دارد، اما تا مطالعات آوانگاری و تکمیلی بر روی آن‌ها صورت نگیرد، نمی‌توانند مورد تأیید واقع شوند؛ بنابراین در آینده باید آوانگاری اسامی مکان‌های پیش‌گفته، تأیید گردد.

نکته‌ی قابل توجه این است که در کاوش تل قلعه‌ی سیف‌آباد، گِل مُهر اداری دیگری نیز یافت شد که ممه‌ور به مُهر اداره‌ی روحانیون است که به استان بیشاپور تعلق ندارد، و مربوط به یک بخش از استان اردشیرخوره، یعنی استان هم‌جوار استان بیشاپور است. یافت شدن مُهر اداری یک استان در استان دیگر، پیش از این از کاوش قصر ابونصر نیز به دست آمده است که از جمله‌ی آن می‌توان، به مُهر کمیاب اداره‌ی روحانیون بخش استخر، بیشاپور و گرم-کرمان اشاره کرد. جالب این‌که، اگرچه این سه شهرستان، هم‌جوار نیستند؛ ولی همه در جنوب ایران قرار گرفته‌اند. در تل قلعه‌ی سیف‌آباد، تنها یک گِل مُهر با اثر مُهر نام اداره‌ی روحانیون بخش راویگان، از استان اردشیرخوره یافت شده که بسیار جالب است؛ زیرا پیش از این، مُهر آن، پیدا شده بود (Gyselen, 2002: 62, 131; 2007: 92-93). مانند بسیاری از نام‌های دیگر این

مجموعه، نام جای بخش روایگان، نه در متون اولیه‌ی تاریخی یا منابع اسلامی بعد از ساسانی ذکر شده، و نه تاکنون محل باستانی دقیق آن مشخص شده است. شباهت جالبی بین فراوانی گل‌مهرهای اداری با نام بخش آباد-شاپور استان بيشاپور، و گل‌مهرهای اداری با نام بخش شیراز از استان اردشیرخوره، وجود دارد. مانند گل‌مهرهای اداری، دارای نام جای بخش آباد-شاپور که در تلی قلعه‌ی سیف‌آباد بیشترین تعداد را دارا هستند، گل‌مهرهایی یافت شده از قصر ابونصر، با اثرمهر اداره‌ی روحانیون بخش شیراز از استان اردشیرخوره، نیز به فراوانی یافت شده‌اند. در قصر ابونصر، اثرمهر بخش شیراز، در ۲۷ گل‌مهر، از ۶۱ گل‌مهر اداری کشف شده، دیده می‌شود (Frye, 1973). فراوانی تعداد زیادی گل‌مهر با نام بخش شیراز در مجموعه‌ی قصر ابونصر، نشان می‌دهد که محوطه‌ی قصر ابونصر که امروزه بخش شرقی بافت شهر شیراز را تشکیل می‌دهد، احتمالاً همان شیراز دوره‌ی ساسانیان است؛ اما دلایل زیاد دیگری نیز وجود دارد که قصر ابونصر را به عنوان مرکز بخش شیراز ساسانی در نظر بگیریم که نیازمند بحث مفصل در نوشتار دیگری است.

کاوش‌های تلی قلعه‌ی سیف‌آباد در آینده‌ی نزدیک دوباره ادامه خواهد یافت و قبل از آن که به یک جمع‌بندی برسیم، این سؤال مطرح می‌شود که، آیا تلی قلعه‌ی سیف‌آباد در اواخر دوره‌ی ساسانی، مرکز منطقه‌ی آباد-شاپور بوده یا این که تنها یک بخش فعال از بخش‌های آباد-شاپور بوده است؟ تا از سرگیری کاوش‌های آینده و یافت شدن مواد نوشتاری جدید دیگر، همچنان باید منتظر جواب این سؤالات ماند. مطالعات انجام‌گرفته بر روی مجموعه‌ی گل‌مهرهای اداری به دست آمده از تلی قلعه‌ی سیف‌آباد نشان می‌دهد که مهرهای اداری تلی قلعه‌ی سیف‌آباد و نیز مهرهای صاحب‌منصبان آن، به تنوع و گستردگی مجموعه‌ی گل‌مهرهای قصر ابونصر نیستند. نام استان بيشاپور با خرابه‌های شهر شاپور که امروزه بيشاپور نامیده می‌شود، متفاوت است.

شهر بيشاپور (Bišābuhr)، مرکز استان بيشاپور توسط شاپور اول که «بی‌شاپور» (Bay-Šābuhr bgšhpwhl) یا «ارباب شاپور» نام داشت، پایه‌گذاری شد (در این مورد، ر. ک. به: Askari Chaverdi & Cereti, 2013). این نوشته <bgš<hpwhl روی سکه‌ها و مهرهای اداری قابل شناسایی است، با این که مخصوصاً در ضرب سکه، تمایل به حک کردن نشانی به شکل <bgš<hpwhl و شهر (یا استان) به صورت خلاصه با نام بيشاپور نشان داده شده است. انتظار می‌رود که شهر بيشاپور را در مهرشناسی اداری ساسانی به شکل شهرستان بيشاپور (Bišābuhr-šahrestān) یا «مرکز استانی بيشاپور» پیدا کنیم، اما تاکنون هیچ اثری از آن یافت نشده است؛ با این حال احتمال دارد که در آینده به صورت اتفاقی کشف شود.

این فرضیه را به این دلیل مطرح شد که شاید در دوره‌ی اسلامی، بخش مرکزی یک شهرستان (šahrestān) - دست‌کم در فارس - با افزودن نام شهرستان به اسم شهر ایجاد نمی‌شده است؛ بلکه به واسطه‌ی افزودن عبارت «آباد» که قبل از اسم مکان قرار می‌گرفته، انجام می‌شده است (Blet-Lemarquand and Gyselen, 2014). چنان‌چه این فرضیه درست باشد، بخش آباد-شاپور، می‌تواند مرکز استان بيشاپور بوده باشد.

کلمه‌ی شاپور که در منابع عربی به شکل «سابور» (Sābūr) آمده، بر روی سکه‌های

مسی عرب-ساسانی مربوط به سال ۸۰ ه.ق. (۶۹۹ م.) دیده می‌شود، با توجه به این مسئله، فرضیه‌ی مطرح شده قابل توجیه است (Curiel and Gyselen 1987: no. 77, 78, 79). سکه‌ی مسی عرب-ساسانی با خط فارسی میانه با نام کازرون، مربوط به همین دوره است (Gyselen, 2009: 220, type 35a, 35abis). با این‌که این نوع سکه، هیچ نشانه‌ی عربی، را به همراه ندارد، اما از طریق قالب آن می‌توان دریافت که این سکه نمی‌تواند مقدم بر دوره‌ی اصلاح پولی اموی باشد (Gyselen, 2009: 41-51).

جزئیات اثرمهرهای اداری یافت شده از تل قلعه‌ی سیف‌آباد به شرح زیر است:

- ۱- اداره‌ی شهرب استان بیشاپور؛
- ۲- اداره‌ی درایوشان جاداگو دادور (داور و مدافع درویشان) استان بیشاپور؛
- ۳- اداره‌ی آمارگر استان‌های اردشیرخوره، بیشاپور و نیوداراب؛
- ۴- اداره‌ی موبد (روحانیون) بخش آباد-شاپور، استان بیشاپور؛
- ۵- اداره‌ی موبد (روحانیون) بخش هیشن، استان بیشاپور؛
- ۶- اداره‌ی موبد (روحانیون) بخش کازرون، استان بیشاپور؛
- ۷- اداره‌ی موبد (روحانیون) بخش یارز، استان بیشاپور؛
- ۸- اداره‌ی موبد (روحانیون) بخش نگاندارسپان، استان بیشاپور؛
- ۹- اداره‌ی موبد (روحانیون) بخش راویگان، استان اردشیرخوره.

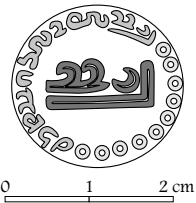
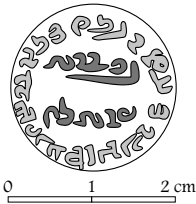

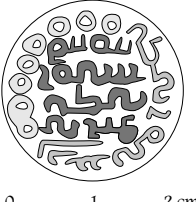
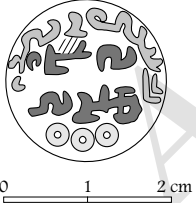
نتیجه‌گیری

مطالعه گِل‌مهرهای اداری یافت شده از تل قلعه‌ی سیف‌آباد، سبب شد چندین اداره / بخش جدید در استان بیشاپور کشف شود. با احتساب دو بخش پیش‌تر شناخته شده از استان بیشاپور، اکنون می‌توان نام هفت بخش را برای این استان در نظر گرفت، که از طریق آن تقسیمات سیاسی نواحی درون استانی آن مشخص می‌شود: آباد-شاپور، هیشن، کازرون، نگاندارسپان، سترک، سیاک و یاریز. از بین بخش‌های اداری شناسایی شده از مجموعه‌ی تل قلعه‌ی سیف‌آباد، تنها نام و محل فعلی بخش کازرون مشخص است، و نام جای دیگر بخش‌ها، نیازمند مطالعات تکمیلی در آینده است؛ بنابراین احتمالاً یاریز با دریز یا دریس، هیشن با خشت و... ذکر شده در متون اسلامی قابل تطبیق باشد، ولی نیازمند مطالعات زبان‌شناسی و اوانگاری است که باید به تأیید همگان برسد؛ علاوه بر اثرمهر اداره‌های دیگر نواحی

► جدول ۱. طبقه‌بندی گِل‌مهرهای اداری یافت‌شده از تل قلعه سیف‌آباد در فصل اول کاوش، سال ۱۳۹۴ براساس تعداد، اداره، بخش و استان مربوطه (نگارندگان، ۱۳۹۳).

اداره	بخش	استان	تعداد گل مهر
<i>Sabrab</i>		Bišābuhr	1
<i>drīyōšan jadaggōw ud dādvar</i>		Bišābuhr	4
<i>āmārgar</i>		Ardašīr-xwarrah, Bišābuhr و Nēw-Darab	2
<i>Mowūb</i>	Ābād-Šābuhr	Bišābuhr	58
<i>Mowūb</i>	Hišn	Bišābuhr	1
<i>Mowūb</i>	Kāzrūn	Bišābuhr	3
<i>Mowūb</i>	Negundarāspān	Bišābuhr	1
<i>Mowūb</i>	Yarēz	Bišābuhr	5
<i>Mowūb</i>	Rawigān	Ardašīr-xwarrah	1

جدول ۲. طرح، توصیف، آوانویسی، حرف‌نویسی و ترجمه‌ی اثرمهرهای اداری یافت‌شده از تلقلعه‌ی سیف‌آباد (نگارندگان، ۱۳۹۴) ◀

1		در مرکز: BYŠ در حاشیه از ساعت ۲ تا ۷: byšhpwhly štlp, و ده حلقه کوچک BYŠ, bišābubr šābrab oooooooooo «شهر بيشاپور»
2		در مرکز در دو خط: 1. byšh 2. pwhly در حاشیه از ساعت ۱۱ تا ۱۱: dlgwš'ny y'tngwby W d'twbly bišābubr driyōšan jādagōw ud dādvar «داور و مدافع درویشان - استان بيشاپور»
3		در مرکز در پنج خط: 1. 'lthštl 2. GDH 3. W byš'pwhl 4. W nywdl'p 5. 'm'lkly ardašr-xwarrab ud bišābubr ud nēw-darab «آمارگر اردشیر خوره، بيشاپور و نیو داراب»
4		در مرکز در چهار خط: 1. 'p't 2. šhpw 3. hly 4. mgwh در حاشیه دور آن از ساعت ۷ تا ۱: : bgšhpwhly, و بعد آن ۸ حلقه کوچک abad-šābubr monūb, bišābubr oooooooooo «موید آباد شاپور- استان بيشاپور»
5		در مرکز در دو خط: 1. hšny 2. mgwh در حاشیه دور آن از ساعت ۴ تا ۹: : byšhpw[h]ly و پس از آن ۳ حلقه bišā monūb bišābubr «موید هیشن- استان بيشاپور»

که پیش‌تر ذکر شد، اثرمهر اداره‌های: شهر، داور و مدافع درویشان، و مهر استاندار، نیز از این مجموعه‌ی یافت‌شده که در بازسازی نظام اداری این استان ساسانی بسیار مهم هستند.

اما نکته‌ی مهم در شناخت یک سیستم اداری منظم، شناسایی بخش‌های یک استان است. به لطف مهرشناسی ساسانی، گاهی فهرست بلندی از اسم مکان‌ها را در اختیار داریم و از سوی دیگر، متأسفانه اسامی شهرها و بخش‌هایی که در متون

6		<p>در مرکز در سه خط:</p> <ol style="list-style-type: none"> 1. k'c 2. [lwn]y 3. mgwh <p>در حاشیه دور آن از ساعت ۵ تا ۱۰:</p> <p>Byšhpwhly</p> <p>و بعد از سه حلقه کوچک</p> <p><i>kāzrūn mowūb bišābubr ooo</i></p> <p>« موید کازرون - استان بیشاپور »</p>
7		<p>در مرکز در سه خط:</p> <ol style="list-style-type: none"> 1. ngndl 2. 'sp'n 3. mgwh <p>در حاشیه دور آن از ساعت ۱ تا ۸:</p> <p>byšhpwhly</p> <p>از ساعت ۸ تا ۵ تعداد چهار حلقه و بعد از آن از ساعت ۴ تا ۲ چهار حلقه دیگر</p> <p><i>negundarāspān mowūb bišābubr ooooo ooooo</i></p> <p>« موید نگاندارسپان - استان بیشاپور »</p>
8		<p>در مرکز در دو خط:</p> <ol style="list-style-type: none"> 1. ylyc 2. mgwh <p>در حاشیه از ساعت ۷ تا ۱:</p> <p>byšhpwhly</p> <p>و پس از آن ۸ حلقه</p> <p><i>yarēz mowūb bišābubr ooooooooo</i></p> <p>« موید یاریز - استان بیشاپور »</p>
9		<p>در مرکز در دو خط:</p> <ol style="list-style-type: none"> 1. lwbgy'n 2. mgwh <p>در حاشیه از ساعت ۷ تا ۱۲:</p> <p>'lthštlGDH</p> <p>و بعد از آن ۶ حلقه</p> <p><i>rawīgān mowūb ardašīr-xvarrab oooooo</i></p> <p>« موید راویگان - استان اردشیر خوره »</p>

تاریخی و جغرافیایی عربی و فارسی ذکر شده‌اند، به ندرت با اسم مکان‌هایی که در دوره‌ی ساسانی روی مُهرهای اداری دیده می‌شوند، تطبیق پیدا می‌کنند. در مورد نام‌های کشف شده از تلی قلعه‌ی سیف‌آباد که مربوط به استان بیشاپور است، نیز وضع به همین شکل است. بدیهی است که می‌توانیم امیدوار باشیم که با مطالعات جدید روی منابع تاریخی عربی و فارسی، چندین معادل جدید کشف کنیم. اما مطمئناً با کشف مجموعه جدیدی از گِل‌مُهرها در استان ساسانی بیشاپور، ما قادر خواهیم بود ساختار بخش‌های این استان را بازسازی کنیم.

در حال حاضر از طریق شواهد و منابع مُهرشناسی، نمی‌توان تاریخ دقیق مجموعه‌ی تلی قلعه‌ی سیف‌آباد را مشخص کرد. همان‌طور که می‌دانیم، در قرن ششم، مهرهای

اداری کاملاً کتیبه‌ای، به وجود آمده‌اند، به همین دلیل روشن است، که قدمت این مجموعه، قدیمی‌تر از قرن ششم میلادی نیست. استفاده از این‌گونه گِل مُهرها، می‌تواند بعد از سقوط سلسله‌ی ساسانی هم ادامه داشته باشد. در واقع، به احتمال این‌که این‌گونه مهرهای اداری بعد از دوره‌ی ساسانی هم رواج داشته‌اند، زیاد است؛ زیرا عرب‌ها هنگام تصرف امپراتوری ساسانی، همه‌ی ساختارهای اداری آن را یک‌باره تغییر ندادند و مدت زمان زیادی نیاز داشتند که در جامعه‌ی ایرانی، کشور را اداره کرده و به مسائل قضایی و اداری رسیدگی کنند. اعراب که بیشتر به فتح سرزمین‌های شرقی و شمال شرقی امپراتوری ساسانی مشغول بودند تا تأسیس چارچوب اداری جدید، در سرزمین‌های فتح شده، سازمان اداری را به دست کادر اداری ایرانی سپردند و مسائل قضایی محلی را به روحانیت زرتشتی، مسیحی و یهودی واگذار کردند. تنها در سال ۷۶ هـ.ق. برابر با ۶۹۵ م.، یعنی بیش از نیم قرن پس از شروع فتوحات اسلامی بود که سلسله‌ی اموی به اصلاح سازمان اداری مبادرت ورزید و زبان عربی به جای زبان اداری فارسی میانه مورد استفاده قرار گرفت. اما در این دوره، فارسی میانه هنوز هم استفاده می‌شد که شاهد این ادعا چندین سکه‌ی مسی عرب-ساسانی است که در کارگاه‌های فارس ضرب شده‌اند (Gyselen, 2014; Blet-Lemarquand & Gyselen, 2009). فهم این نکته که آیا امویان با اصلاح سازمان اداری جدید، فوراً ادارات محلی، مانند اداره‌ی زیر نظر روحانیون را حذف کردند یا این‌که این ادارات تا مدت‌ها هنوز به کار خود ادامه می‌داده‌اند، غیرممکن است. از لحاظ گاه‌نگاری، احتمالاً مجموعه‌ی گِل مُهرهای تل قلعه‌ی سیف‌آباد متعلق به محدوده‌ی زمانی بین سال‌های ۵۰۰ تا ۷۰۰ م. است. نگارندگان امید آن را دارند که با مطالعات تکمیلی آزمایشگاهی کربن ۱۴ که بر روی میوه‌های خرما یافت شده از این محوطه، در حال حاضر در حال انجام است؛ یک توالی گاه‌نگاری و گونه‌شناختی دقیق برای گِل مُهرهای به دست آمده از این مکان و دیگر بخش‌های امپراتوری ساسانی پی‌ریزی کنند که در آینده‌ی نزدیک نتایج آن منتشر خواهد شد. احتمالاً این مطالعات آزمایشگاهی به ما کمک خواهد کرد تا با دقت بیشتری، تاریخ دقیق مجموعه‌ی تل قلعه‌ی سیف‌آباد را تعیین گردد که احتمالاً مربوط به اواخر دوره ساسانی است.

سپاسگزاری

از جناب آقای مهندس بهشتی (مدیر پژوهشگاه)، دکتر مصیب امیری (مدیرکل محترم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری فارس) و دیگر همکاران محترم در سازمان میراث فرهنگی و پژوهشکده باستان‌شناسی، از خانم دکتر مرجان مشکور، از فیلیپ ژینیو به خاطر پیشنهاد آوانگاری‌های اسم مکان‌ها، از اعضای محترم گروه کاوش: امیر بهرامی، عباس رزمپوش، زهره زهبری و افشین آریافر، از دکتر علیرضا عسکری چاوردی، دکتر رمی بوشارلا و دکتر سمرا آذرنوش و خانم هلن دیوید و از اعضای محترم انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران سپاسگزاریم. بدون شک بدون همکاری صمیمانه‌ی مسئولین و اهالی محترم روستای سیف‌آباد این دستاوردها امکان‌پذیر نمی‌شد؛ از همه‌ی آن‌ها تشکر و قدردانی می‌کنیم.

پی‌نوشت

۱. تکه یا چانه‌ی گل از جنس رُس است که هنگامی که هنوز مرطوب بوده تعدادی اثرمهر بر روی آن زده شده است. واژه‌ی انگلیسی این کلمه Bulla و نام فارسی میانه آن در منابع آرامی تلمود glmhrq است (Shaked, 2011). این تکه گل مهر شده به مانند شناسنامه به محموله‌ها پیوست می‌شده و شاهدی بر مالکیت یا مقام تأییدکننده و صادرکننده آن است. این مواد فرهنگی بیشتر به همراه محموله‌های تجاری و کاروانی فرستاده می‌شد (Frye, 1970: 79, 84). اهمیت این یافته‌های ارزشمند در این است که دربرگیرنده‌ی نام یک اداره، نهاد، مقام و منصب ساسانی به خط پهلوی / فارسی میانه است و از طریق آن می‌توان به تقسیمات اداری، جزئیات مقام و منصب و نام مکان‌ها و اشخاص و علائم و نقوش مورد استفاده در این دوره پی‌برد.
 ۲. فصل نخست کاوش این محوطه در مهر و آبان ۱۳۹۳ توسط تیمی از باستان‌شناسان استان فارس: پارسا قاسمی، رضا نوروزی و عزیزالله رضایی انجام شد.
 ۳. تعداد ۲۷ گل مهر فوق، دوباره در همان سال، توسط سیروس برفی و دیگران، و با همان مجموعه عکس به چاپ رسیده است (Barfi et al., 2013). طبق گزارش‌های موجود، این ۲۷ گل مهر شکسته و سالم، حین عملیات تعریض جاده‌ی گاز به وسیله‌ی بولدورزر در سال ۱۳۸۴ نمایان شده‌اند که بسیاری از آن‌ها بعدها در نتیجه‌ی فرایند سرنند خاک‌های انباشت شده توسط تیم باستان‌شناسی اعزامی از میراث فارس به دست آمده‌اند. نوشتار کوتاه که توسط برفی و دیگران، در سال ۲۰۱۳ در معرفی این مجموعه نوشته شده است؛ علاوه بر کاربرد نامناسب اسم مکان‌ها، اشتباهات زیاد دیگری به ویژه توصیف نقوش روی گل مهرها، اصطلاحات رایج در مطالعه‌ی نشانه‌شناسی، و همچنین در آوانویسی و ترجمه‌ی نوشته‌های پهلوی دارد.
 ۴. برای مثال: شوارتز و لسترنج با استفاده از گزارش‌های جغرافی‌نویسان، نام این مکان‌ها را ذکر کرده‌اند: نوبندگان، خشت یادریز (Le Strange, 1966: 262-268 و Schwarz, 1896: 30-42).
- یاد گزارش جغرافی‌نویسان دیگری توان این نام‌جای‌های مشابه را مشاهده کرد:
- ابن خردادبه (۲۱۱ تا ۳۰۰ ه.ق.) در کتاب *مسالك الممالک*، هنگام صحبت از «شاپور» نام عربی شهر «شاپور»، روستاهای آن را چنین برشمرده است: خشت، کیمارج، کازرون، خره، بندرهمان، دست بارین، هندپجان، درخوید، تنبوک، خویدان، میدان، ماهان، جنبد، رامیجان، دینجان، شاهجان، موز، دادین، شادرد، دربختجان، سیاه مص، انبوران، خمارجان علیا، خمارجان سفلی، و تیرمردان. (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۳۷).
- مقدسی در کتاب *حسن‌التقاسیم* در قرن چهارم هجری از شهرهای ناحیه‌ی شاپور به: دریز، کازرون، خره، نوبندگان، کاریان، کندران، توز، زم، اکراد، گنبد و خشت اشاره کرده است. وی همچنین در توصیف خود، درباره‌ی نام‌جای‌های دریز، کازرون و خشت چنین نوشته است: دریز: دریز شهری کوچک در کنار راه کازرون است که بازاری نیکو و کارگران بسیار کتان دارد (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۴۸).
- کازرون: شهری بزرگ و آباد است، پارچه‌های کتان‌ی شطوی و کسب در آن جا بافته و صادر می‌شوند. شهر، دارای کاخ و باغ و بستان زیادی است. عضدالدوله در آن جا کاخی دارد. بیشتر خانه‌ها بر بلندای تپه‌ای است. آب آن از چاه و قنات است (همان: ۶۴۸).
- خشت: در میان کوهستان واقع شده و روستایی بزرگ و قلعه‌ای معروف دارد. بازاری خوب دارد و آب آشامیدنی آن از رودخانه است (همان: ۶۴۸).
۵. طراحی اثرمهرهای این نوشتار توسط خانم دکتر ریکا گیزلن و هلن دیوید انجام شده است.

کتابنامه

- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله، ۱۳۷۱، *مسالك و ممالک*، ترجمه‌ی سعید خاکرند، تهران: انتشارات میراث ملل.
- مقدسی، محمدابن احمد شمس‌الدین، ۱۳۸۵، *حسن‌التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه‌ی علینقی منزوی، تهران: انتشارات کومش.
- نوروزی، رضا، قاسمی، پارسا، و رضایی، عزیزالله، ۱۳۹۴، «گزارش فصل اول کاوش در محوطه‌ی ساسانی تل قلعه‌ی سیف‌آباد کازرون-فارس»، *چهاردهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران*، به کوشش: حمیده چوبک، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.

- Askari Chaverdi, A. & Cereti, C. G., 2013, "Preliminary notes on two small groups of Sasanian bullae recently discovered in Fārs", in: Tokhtasev S. & Luria P. (eds.), *Commentationes Iranicae. Vladimiro f. Aaron Livschits nonagenario donum natalicium, Saint-Petersbourg*: 182-190.

- Barfi, S., Amiri, M., Malekzadeh, S. & Daryae, T., 2013, "A Concise Report on Some Newly Found Sasanian Sites in Kazerun", e-sas-arch16-Ka-

zeroun-arche-article-3.

- Blet-Lemarquand M. & Gyselen, R. avec la collaboration de DUVAL, F., 2014, "Sur la composition élémentaire de quelques monnaies de cuivre arabo-sassanides", in: Gyselen R. (ed.), *Documents, argenterie et monnaies de tradition sassanide* [Res Orientales XXII], Bures-sur-Yvette, Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient: 9-28.

- Curiel, R. & Gyselen, R., 1987, "Les monnaies de fouilles de Bishapur", *Studia Iranica* 16, 1987: 7-43.

- Frye, R. N., 1973, (ed.). *Sasanian Remains from Qasr-i Abu Nasr. Seals, Sealings, and Coins*, Cambridge, Harvard University Press.

- Frye, R. N., 1970, "Sasanian seal inscriptions", in: *Stiehl and Stiehl*, eds., 77 – 84.

- Göbl, R., 1976, *Die Tonbullen vom Tacht-E Suleiman: ein Beitrag zur spätsāsānidischen Sphragistik*, Berlin: D. Reimer.

- Gyselen, R., 1987, "Bulles et sceau sassanides", in: Boucharlat R. & Lecomte O., 1987. *Fouilles de Tureng Tepe sous la direction de J. Deshayes*, Vol. 1. Les périodes sassanides et islamiques. Paris, ERC: 187-190, pl. 162-164.

- Gyselen, R., 1989, *La géographie administrative de l'Empire sassanide*, Les témoignages sigillographiques [Res Orientales n° I], Paris, Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient.

- Gyselen, R., 2002, *Nouveaux matériaux sigillographiques pour la géographie administrative de l'empire sassanide*, Collection A. Saeedi [Studia Iranica, Cahier 24], Paris, Association pour l'avancement des études iraniennes.

- Gyselen, R., 2007, *Sasanian Seals and Sealings in the A. Saeedi Collection* [Acta Iranica 44], Louvain, Peeters.

- Gyselen, R., 2009, *Arab-Sasanian Copper Coinage* [Veröffentlichungen der numismatischen Kommission, Band 34], Wien, Österreichische Akademie der Wissenschaften.

- LeStrange, G., 1930, *The Lands of the Eastern Caliphate*, Cambridge.

- Markwart, J., 1931, *A Catalogue of the Provincial Capitals of Ērānšahr*, Rome.

- Schwarz, P., 1896, *Iran im Mittelalter nach den arabischen Geographen*, Leipzig, 1896-1936, Réimpression Hildesheim-New York, 1969.

- Shaked, S., 2011, "Aramaic", in: *Iranicaonline*: <http://www.iranicaonline.org/articles/aramaic-#pt3>